

## کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر<sup>۱</sup>

ترجمه دکتر علیرضا تقی‌پور

### پیش‌گفتار

نظام حقوق کیفری به عنوان مجموعه‌ای از مقررات تأمین‌کننده نظم اجتماع، در راستای مبارزه با پدیده‌های مجرمانه، همواره به شیوه‌های سرکوب‌گرانه متوسل شده است، شیوه‌هایی که معمولاً به صورت اعدام و زندان جلوه‌گر شده و نتیجه‌ای جز طرد بزهکاران از جامعه در پی نداشته است. اما آیا قوای عمومی برای تأمین دفاع اجتماعی می‌توانند از هر وسیله‌ای ولو به قیمت از بین رفتن شخصیت و کرامت انسانی استفاده نمایند؟ آیا با توجه به این‌که جرم زاییده رفتار انسان است، اگر تدابیر کیفری با تضمین‌های مؤثری همراه نباشند، حقوق و آزادی‌های انسان در معرض مخاطره قرار نخواهد گرفت؟

طرح چنین سؤالاتی در اذهان عده‌ای از متفکران از یک سو و اقدامات سرکوب‌گرانه و عدم رعایت حقوق افراد در جامعه توسط دولت‌های اقتدارگرا به ویژه در دوران جنگ اول و دوم جهانی از سوی دیگر، باعث پدید آمدن مکاتبی گردید که مطالعات خویش را بر روی حقوق و آزادی‌ها افراد مخصوصاً حقوق متهمین و محکومین متمرکز ساختند که در این میان می‌توان به مکاتب دفاع اجتماعی و دفاع اجتماعی جدید اشاره نمود.<sup>۲</sup> با انتشار نظریات صاحب‌نظران این مکاتب و صدور اعلامیه‌های متعدد در سطح بین‌المللی در زمینه حقوق اولیه انسان‌ها رفته رفته نظام حقوق کیفری متحول گردید و

1. (Europäische) Konvention zum Schutze der Menschenrechte und Grundfreiheiten (EMRK).

۲. لازرژ (کریسین) درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۳ (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲).

اکثریت دولت‌ها برای حفظ شأن و جای‌گاه خود در صحنه جهانی، مقررات این اعلامیه‌ها را وارد قوانین کیفری خویش نمودند. بدیهی است چنین تحولی، مرهون پیدایش یک نظام حقوقی جدید، به نام نظام حقوق بشر «یا حقوقی حقوق بشر» است.<sup>۱</sup> نظامی که در پرتو اسناد حقوق بشری شکل گرفته و داری ضمانت اجرا شده است. اسنادی که گاه جنبه جهانی دارند، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل (۱۹۶۶) و گاه جنبه منطقه‌ای، مانند کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱) و کنوانسیون اروپایی حمایت از قربانیان جرایم خشونت‌آمیز (۱۹۸۳).<sup>۲</sup>

در کلیه اسناد مذکور، می‌توان قواعد و مقرراتی را در راستای حمایت کیفری از صغار، متهمین، محکومین، و بزه‌دیدگان مشاهده کرد. بنابراین، می‌توان از این اسناد به عنوان اسناد حقوق بشری یاد کرد؛ زیرا کرامت انسان چه بزه‌کار و چه بزه‌دیده باید حفظ شود و حقوق و آزادی‌های همه افراد بدون تبعیض از لحاظ نژاد، جنس، زبان و مذهب، رعایت گردد.<sup>۳</sup>

اما نخستین سند حقوق بشری در سطح منطقه‌ای، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است<sup>۴</sup> که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ به تصویب اعضای وقت شورای اروپا رسید و از ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ به مورد اجرا گذاشته شد. هم‌چنین کنوانسیون مذکور نخستین سند حقوق بشری است که یک نهاد قضایی، یعنی دیوان اروپایی حقوق بشر واقع در استراسبورگ را به عنوان سازوکار نظارتی بر اجرای مقررات خویش پیش‌بینی کرده است.<sup>۵</sup>

جهت تکمیل مقررات کنوانسیون، تاکنون ۱۳ پروتکل به آن الحاق شده است که از آن جمله می‌توان به پروتکل شماره ۶ متضمن لغو مجازات اعدام، پروتکل شماره ۱۱ که با حذف کمیسیون اروپایی حقوق بشر، سیستم دو مرحله‌ای نظارت بر اجرای مقررات کنوانسیون به ترتیب توسط کمیسیون و دیوان را تبدیل به رسیدگی یک مرحله‌ای نمود<sup>۶</sup> و

#### 1. LAW OF HUMAN RIGHTS.

۲. مارتی (میری دلماس)، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۱، ص ۴۳ (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱).

۳. رک: منشور سازمان ملل متحد، ماده ۱ و ۵۵.

4. the European Convention for the protection of human rights and Fundamental Freedoms.

۵. سیدمحمد قاری سیدفاطمی، دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰.

۶. این پروتکل از نوامبر ۱۹۹۸ لازم‌الاجرا گردید.

پروتکل شماره ۱۳<sup>۱</sup> که تحت هیچ شرایطی حتی زمان جنگ، کیفر اعدام را قابل اجرا نمی‌داند، اشاره کرد.

با توجه به اهمیت مقررات کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که مستقیماً تحت تأثیر منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر تنظیم شده است و مبنای آرای مهمی در دیوان اروپایی در زمینه حقوق دفاعی متهمین و حقوق محکومین واقع شده است و هم‌چنین نظر به این‌که آشنایی با دستاوردهای جدید در زمینه حقوق بشر، راه را برای استفاده از این حقوق در قوانین جاری کشورها، هموار می‌کند، ترجمه متن کنوانسیون، با توجه به آخرین تغییرات آن، مفید تشخیص داده شده است.

### کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

دولت‌های امضاکننده کنوانسیون که از اعضای شورای اروپا هستند، با در نظر گرفتن اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شده است و اهداف این اعلامیه که در جهت تضمین شناسایی مؤثر و رعایت حقوق مندرج در آن است و با در نظر گرفتن این نکته که هدف شورای اروپا، نایل شدن به اتحادی بزرگ‌تر میان اعضا است و یکی از روش‌هایی که به موجب آن باید هدفی تعقیب شود، حفظ و جامه عمل پوشانیدن به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است و با تأیید مجدد باور عمیقشان به این آزادی‌های اساسی که مبنای صلح و آزادی در جهان هستند و از یک سو از طریق دموکراسی مؤثر سیاسی و از سوی دیگر از طریق درک مشترک و رعایت حقوق بشری که به آنها بستگی دارد، به بهترین وجهی حفظ می‌شوند و به عنوان دولت‌های کشورهای اروپایی که هم‌اندیشه بوده و دارای میراث مشترکی از عرف‌های سیاسی، اهداف مطلوب، آزادی و حاکمیت قانون هستند و مصمم شده‌اند اولین گام‌ها را برای اجرای جمعی حقوقی که در اعلامیه جهانی آمده است، بردارند به شرح ذیل توافق نموده‌اند:

ماده ۱: طرفین بلندپایه معاهده باید حقوق و آزادی‌هایی را که در بخش یک این کنوانسیون تعریف شده‌اند، برای افرادی که در قلمرو قضایی آنها قرار دارند، تضمین نمایند.

## بخش اول

ماده ۲: ۱. حق هر کس برای حیات باید توسط قانون حمایت شود. هیچ کس نباید عمداً از حیات محروم شود، مگر در اجرای حکم دادگاه در مورد جنایتی که مرتکب شده و مجازات آن در قانون مقرر شده است.

۲. زمانی که محرومیت از حیات از کاربرد قوه قهریه‌ای که بیش از حد نیاز نیست ناشی شده است، در تعارض با مفاد این ماده، قرار نمی‌گیرد، مشروط بر این که مشمول موارد ذیل باشد:

(الف) در دفاع از هر کس در مقابل خشونت غیرقانونی.

(ب) به منظور دستگیری یک فرد یا جلوگیری از فرار شخصی که قانوناً بازداشت شده است.

(ج) در راستای اقدامات قانونی به منظور سرکوب یک شورش یا آشوب.

ماده ۳: هیچ کس نباید در معرض شکنجه یا اقدامات غیرانسانی یا مجازات‌های ترضیلی قرار گیرد.

ماده ۴: ۱. هیچ کس نباید تحت بردگی یا بندگی قرار گیرد.

۲. هیچ کس نباید مکلف به انجام کارهای اجباری شود.

۳. اصطلاح کار اجباری در این ماده، شامل موارد زیر نمی‌شود:

(الف) هر نوع کاری که در جریان حبس، مطابق با مقررات ماده ۵ این کنوانسیون یا در طول معافیت مشروط، تحمیل می‌شود.

(ب) هر نوع خدمت در یک سمت نظامی یا خدمتی که بر معترضین به خدمت اجباری نظام در کشورهای بی‌چنین وضعیتی مورد پذیرش قرار گرفته است، تحمیل شود.

(ج) هر نوع خدمت در یک حالت اضطراری یا مصیبت‌بار که حیات و رفاه جامعه را تهدید می‌کند.

(د) هر کار یا خدمتی که بخشی از تعهدات طبیعی شهروندی یک شخص به شمار می‌رود.

ماده ۵: ۱. هر کس دارای حق آزادی و امنیت شخصی است. هیچ کس نباید از آزادی محروم شود مگر در موارد ذیل و مطابق با آیین دادرسی پیش‌بینی شده توسط قانون:

(الف) حبس قانونی یک شخص بعد از محکومیت وی توسط دادگاه صالح.

(ب) دستگیری یا بازداشت قانونی یک شخص به لحاظ ترمرد از قرار صادره توسط

دادگاه یا به منظور تضمین اجرای یک تکلیف تجویز شده در قانون.  
 ج) دستگیری یا بازداشت قانونی یک شخص به منظور اعزام او نزد مرجع قانونی صالح بر پایه دلایل معقول مبنی بر ظن ارتکاب جرم توسط وی یا جهات معقولی مبنی بر ضرورت جلوگیری از ارتکاب جرم یا جلوگیری از فرار او پس از ارتکاب جرم.  
 د) نگهداری یک صغیر از طریق قرار صادره توسط دادگاه به منظور نظارت تربیتی یا به منظور اعزام او نزد مرجع قانونی صالح.

ه) بازداشت قانونی اشخاص جهت پیش‌گیری از سرایت بیماری‌های مسری، افراد مختل‌المشاعر، معتادان به الکل و مواد مخدر و ولگردان.

و) دستگیری یا بازداشت قانونی شخص به منظور جلوگیری از ورود غیرقانونی به داخل کشور یا اقداماتی که در راستای اخراج از کشور یا استرداد او صورت می‌گیرد.

۲. هر کس که دستگیر می‌شود، حق مطلع شدن از علل سلب آزادی و هر نوع اتهامی علیه خود در کوتاه‌ترین مدت به زبانی که برای او مفهوم است، دارد.

۳. هر کس که مطابق با قسمت ج مقررات فوق‌الذکر دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید در اسرع وقت از اظهار نظر مقام قضایی یا مأمور دیگری که قانوناً حق مداخله دارد، برخوردار شود و در یک مدت معقول، حق برخورداری از انجام محاکمه یا آزادی تا زمان محاکمه را داشته باشد. آزادی وی می‌تواند مشروط به سپردن وثیقه‌هایی شود که حضور وی را برای محاکمه تضمین می‌کنند.

۴. قانونی بودن دستگیری یا بازداشت فرد محروم شده از آزادی باید در اسرع وقت توسط دادگاه رسیدگی و در صورتی که غیرقانونی باشد، دستور آزادی او صادر شود.

۵. هر کس به جهت دستگیری یا بازداشتی که برخلاف مقررات مذکور در این ماده انجام شده، متضرر شود، حق دریافت خسارت را دارد.

ماده ۶: ۱. برای تعیین حقوق و تکالیف یک فرد یا رسیدگی به هر اتهامی که علیه او مطرح شده است، باید دادرسی علنی و منصفانه توسط یک دادگاه صالح بی‌طرف و مستقل در مدت معقول انجام شود. نتیجه دادرسی باید به صورت علنی اعلام شود، اما امکان غیرعلنی برگزار شدن تمام یا قسمتی از جریان محاکمه نسبت به مردم و مطبوعات وجود دارد. حفظ نظم عمومی، اخلاق یا امنیت در یک جامعه دموکراتیک، منافع صغار، حفظ جان طرفین دادرسی و هم‌چنین نظر دادگاه در اوضاع و احوالی که علنی بودن محاکمه ممکن است به مصالح عدالت لطمه وارد آورد، مواردی هستند که غیرعلنی بودن محاکمه را توجیه می‌کنند.

۲. اصل بر برائت است، مگر این‌که مجرمیت متهم مطابق قانون ثابت شود.  
 ۳. هر کس به ارتکاب جرمی متهم می‌شود، از حداقل حقوق زیر برخوردار خواهد بود:

(الف) در اسرع وقت و با زبانی که برای وی مفهوم است از جزئیات، ماهیت و سبب اتهام خود آگاه شود.

(ب) فرصت و امکانات کافی برای تدارک دفاعیاتش داشته باشد.

(ج) یا شخصاً از خود دفاع نماید یا با انتخاب خودش از معاضدت وکیل برخوردار شود و اگر توان کافی برای پرداخت هزینه وکیل نداشته باشد، چنانچه مصالح عدالت اقتضا نماید، برای او وکیل تسخیری در نظر گرفته شود.

(د) شهودی را که علیه وی شهادت می‌دهند یا قبلاً علیه وی شهادت داده‌اند، مورد پرسش‌های متقابل قرار دهد یا قرار داده باشد و هم‌چنین بتواند در دادگاه حاضر شده و شهودی را که به نفع وی شهادت می‌دهند، دقیقاً در شرایطی که شهود علیه وی شهادت می‌دهند، مورد پرسش‌های متقابل قرار دهد.

(ه) اگر متهم نتواند به زبانی که در دادگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد صحبت نماید یا برای او مفهوم نباشد، باید از کمک رایگان یک مترجم برخوردار شود.

ماده ۷: ۱. هیچ‌کس نباید به علت فعل یا ترک فعلی که براساس قانون داخلی یا بین‌المللی در زمان ارتکاب آن، جرم نیست، مقصر تلقی شود. هم‌چنین مجازات سنگین‌تر از مجازاتی که در زمان ارتکاب جرم، حاکم است نباید به مجرم تحمیل شود.  
 ۲. این ماده به محاکمه و مجازات کسی به علت فعل یا ترک فعل که در زمان ارتکاب، مطابق با اصول کلی حقوقی شناخته شده توسط ملل متمدن، جرم محسوب می‌شود، لطمه‌ای وارد نمی‌آورد.

ماده ۸: ۱. هر کس حق دارد که به خلوت، علقه خانوادگی، مسکن و مکاتبات خصوصی او احترام گذاشته شود.

۲. در اجرای این حق، هیچ نوع مداخله‌ای از سوی یک مرجع دولتی صورت نمی‌پذیرد، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت مصالح امنیت ملی، امنیت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور یا در جهت پیش‌گیری از بی‌نظمی یا بروز جرم یا در حمایت از سلامت یا اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران.

ماده ۹: ۱. هر کس حق آزادی اندیشه، تفکر و مذهب دارد. این حق مشتمل بر آزادی تغییر مذهب یا عقیده و آزادی در ابراز مذهب یا عقیده، خواه به تنهایی یا به اتفاق

دیگران و خواه علنی یا غیرعلنی در امر عبادت، تعالیم، رسوم و آیین است.

ب) آزادی در ابراز مذهب یا عقیده با هیچ محدودیتی مواجه نخواهد شد، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت تأمین امنیت عمومی، حمایت از نظم عمومی، سلامت یا اخلاق برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران.

ماده ۱۰: ۱. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق مشتمل بر آزادی در حفظ آرا و عقاید و تبادل اطلاعات بدون مداخله مراجع دولتی یا هرگونه حد و مرز دیگری است. هر چند این ماده مانعی برای دولت‌ها در برقراری شرط دریافت مجوز توسط مؤسسات سینمایی، رادیویی و تلویزیونی نیست.

۲. از آنجا که اجرای این آزادی‌ها، عواقب و عوارضی در پی دارد ممکن است مشمول شرایط، محدودیت‌ها یا حتی مجازات‌هایی باشد که مطابق قانون مقرر شده‌اند و هم چنین ممکن است تابع نیاز یک جامعه دموکراتیک یا حتی مجازات‌هایی باشد که مطابق قانون مقرر شده‌اند و هم چنین ممکن است تابع نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت مصالح امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، پیش‌گیری از بی‌نظمی یا بروز جرم، حمایت از سلامت یا اخلاق، حمایت از آبرو و حقوق دیگران، پیش‌گیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی قوه قضاییه باشد.

ماده ۱۱: ۱. هر کس حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و ارتباط با دیگران از جمله حق تشکیل اتحادیه‌های تجاری و ملحق شدن به آنها را برای حفظ منافع خود دارد.

۲. در اجرای این حقوق هیچ‌گونه محدودیتی اعمال نمی‌شود، مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت تأمین امنیت عمومی یا مصالح امنیت ملی یا در جهت پیش‌گیری از بی‌نظمی یا بروز جرم یا حمایت از سلامت و اخلاق و یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران. هم چنین این ماده مانعی برای تحمیل محدودیت‌های قانونی در اجرای چنین حقوقی توسط اعضای نیروهای مسلح، پلیس یا ادارات دولتی نخواهد بود.

ماده ۱۲: مردان و زنانی که در سن ازدواج هستند، بر طبق قوانین ملی، حق ازدواج و تشکیل خانواده را دارند.

ماده ۱۳: اگر حقوق و آزادی‌های هر کس در این کنوانسیون نقض شده باشد ولو چنین نقضی توسط ماموران رسمی صلاحیت‌دار ارتکاب یافته باشد، حق دادخواهی و جبران خسارت نزد یک مرجع ملی را دارد.

ماده ۱۴: برخورداری از حقوق و آزادی‌های مندرج در این کنوانسیون باید بدون

هیچ‌گونه تبعیضی در زمینه‌های جنس، نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، پایگاه ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت قومی، اموال، زادگاه یا موارد دیگر تضمین شود.

ماده ۱۵: ۱. در زمان جنگ یا وضعیت‌های اضطراری دیگر که تهدیدی برای حیات ملی به شمار می‌رود، هر یک از کشورهای عضو کنوانسیون می‌توانند اقداماتی را در راستای کاهش تعهدات خویش تا حد وضعیت اضطراری مذکور انجام دهند، مشروط بر این‌که برخلاف دیگر تعهدات بین‌المللی این دولت‌ها نباشد.

۲. در مورد عدول از ماده ۲ این کنوانسیون، مگر در مورد مرگ‌های ناشی از اقدامات مشروع زمان جنگ یا مواد ۳، ۴ (شماره ۱) و ۷ این کنوانسیون، مقررات این ماده باید رعایت شود.

۳. طرفین بلندپایه این کنوانسیون که از حق کاهش تعهدات خویش بهره‌مند می‌شوند، باید دبیرکل شورای اروپا را در جریان کامل اقدامات اتخاذ شده و دلایل آن و نیز متوقف شدن این اقدامات و اجرای مجدد مفاد کنوانسیون قرار دهد.

ماده ۱۶: مقررات مندرج در مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۴ این کنوانسیون، دول متعاقد را از تحمیل محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های سیاسی اتباع بیگانه باز نمی‌دارد.

ماده ۱۷: هیچ یک از مواد این کنوانسیون نباید به گونه‌ای تفسیر شود که برای هر دولت، گروه و یا اشخاص، حق دست زدن به فعالیت‌ها یا اجرای اقداماتی در جهت لطمه زدن به حقوق و آزادی‌های مندرج در این کنوانسیون یا ایجاد محدودیت بیش از آنچه که مقرر شده است را فراهم نماید.

ماده ۱۸: محدودیت‌های مجازی که در مورد حقوق و آزادی‌های مندرج در این کنوانسیون وجود دارد، به هر منظوری غیر از آنچه که مقرر شده، نباید تسری داده شود.

## بخش دوم

ماده ۱۹: جهت تضمین تعهداتی که بر عهده طرفین بلندپایه این کنوانسیون است، دادگاه اروپایی حقوق بشر که از این به بعد در متن، دادگاه خوانده می‌شود، تأسیس می‌شود. این دادگاه به طور دائمی دایر خواهد بود.

ماده ۲۰: دادگاه، متشکل از قضاتی به تعداد طرفین بلندپایه قرارداد است.

ماده ۲۱: ۱. قضات باید دارای شخصیت والای اخلاقی و هم‌چنین شرایط لازم برای تصدی در سمت بالای قضایی بوده یا حقوق‌دانانی با صلاحیت شناخته شده باشند.



۲. قضات به عنوان یک مقام با قابلیت‌های منحصر به فرد باید بر اساس صلاحیت فردی انجام وظیفه نمایند.
۳. قضات در طول دوران مأموریت خویش نباید به فعالیت‌هایی بپردازند که مغایر با استقلال، بی‌طرفی و مقتضای مأموریت تمام وقت آنها است. تکلیف کلیه موضوعاتی که از اعمال این بند ناشی می‌شود، توسط دادگاه مشخص می‌شود.
- ماده ۲۲: ۱. با توجه به لیستی متشکل از ۳ نفر که توسط هر یک از طرفین بلندپایه قرارداد ارائه شده است، قضات توسط مجمع پارلمانی با اکثریت قاطع آرا انتخاب می‌شوند.
۲. در صورت پیوستن اعضای جدید، برای تکمیل دادگاه و برطرف کردن مکان‌های خالی احتمالی، همین رویه اعمال می‌شود.
- ماده ۲۳: ۱. قضات برای یک دوره شش ساله انتخاب می‌شوند و امکان انتخاب مجدد آنها وجود دارد، اما دوره مأموریت نیمی از قضات انتخاب شده در بار اول، در انتها سال سوم از دوره دوم خاتمه می‌یابد.
۲. قضاتی که دوره مأموریت آنها در پایان سال سوم فوق‌الذکر خاتمه می‌یابد، توسط دبیر کل شورای اروپا بلافاصله بعد از تکمیل اعضا به قید قرعه مشخص می‌شوند.
۳. تا حد امکان به منظور تأمین این امر که هر سه سال دوره مأموریت نیمی از قضات تجدید شود، مجمع پارلمانی قبل از هرگونه اقدامی جهت انتخابات بعدی می‌تواند در مورد دوره یا دوره‌های مأموریت یک یا چند قاضی انتخاب شده که نباید شش ساله باشد، تصمیم‌گیری کند. اما این دوره نباید بیش از نه سال و کمتر از سه سال باشد.
۴. در موردی که بیش از یک دوره مأموریت وجود دارد و زمانی که مجمع پارلمانی بند قبلی را اعمال می‌کند، تخصیص دوره مأموریت باید از سوی دبیر کل به قید قرعه و بلافاصله بعد از انتخابات صورت پذیرد.
۵. قاضی دادگاه که به جای قاضی دیگری که هنوز دوره مأموریتش پایان نیافته، انتخاب می‌شود، باید تا پایان دوره خدمت وی، سمت قبلی خود را حفظ کند.
۶. هنگامی که قضات به سن هفتاد سالگی برسند، دوره مأموریت آنها خاتمه می‌یابد.
۷. قضات تا زمان جابه‌جایی باید سمت قبلی خود را حفظ کنند، اما موظف هستند که فعالیت‌های مربوط را چنان‌چه تاکنون انجام می‌یافته، با دقت و ملاحظه ادامه دهند.
- ماده ۲۴: امکان برکناری قضات از مأموریت، وجود ندارد مگر این‌که سایر قضات با اکثریت ۲/۳ اعلام کنند قاضی مزبور از انجام وظایف خود دست کشیده است.

ماده ۲۵: دادگاه دارای یک دایره ثبت می باشد که وظایف و تشکیلات آن در آیین دادرسی دادگاه مشخص گردیده است. دادگاه توسط عده ای منشی حقوقی مساعدت می شود.

ماده ۲۶: دادگاه با حضور همه اعضای خویش و در یک نشست رسمی باید:  
الف) رئیس دادگاه و یک یا دو نایب رئیس را برای یک دوره سه ساله انتخاب نماید. امکان انتخاب مجدد، آنها وجود دارد.

ب) شعبی را برای یک دوره معین زمانی، تأسیس کند.  
ج) رؤسای شعب دادگاه را انتخاب نماید. امکان انتخاب مجدد آنها وجود دارد.  
د) آیین دادرسی دادگاه را مشخص نماید.

ه) مدیر دفتر دادگاه و یک یا چند قائم مقام را برای این پست انتخاب نماید.  
ماده ۲۷: ۱. برای رسیدگی به پرونده هایی که به دادگاه ارجاع می شود، دادگاه باید یا در کمیته هایی متشکل از سه قاضی یا در شعبی متشکل از هفت قاضی یا در شعبه عالی متشکل از هفده قاضی تشکیل جلسه دهد. شعب دادگاه کمیته هایی را برای یک دوره معین زمانی تأسیس می کنند.

۲. عضو شعبه و شعبه عالی از لحاظ سمت یک قاضی است که با توجه به دولت شاکی یا طرف شکایت انتخاب می شود یا اگر این چنین نباشد یا قادر به حضور در شعبه نگردد، شخصی است که باید صلاحیت و توانایی یک قاضی را داشته باشد.

۳. شعبه عالی هم چنین متشکل از رئیس دادگاه، نواب رئیس، رؤسای شعب و قضات دیگری است که مطابق با آیین دادرسی انتخاب شده اند. هنگامی که یک پرونده براساس ماده ۴۳ به شعبه عالی ارجاع می شود، هیچ یک از قضات شعبه ای که امر قضاوت به آنها واگذار شده است حق حضور در شعبه عالی را ندارند مگر رئیس شعبه و یک قاضی که با توجه به دولت شاکی یا طرف شکایت در آن جا می توانند حضور یابند.

ماده ۲۸: یکی از کمیته ها می تواند به اتفاق آرا شکایت ارائه شده بر اساس ماده ۳۴ را که بدون بررسی بیش تر مورد پذیرش واقع شده است غیر قابل قبول اعلام کرده یا آن را از لیست دعاوی حذف نماید. تصمیم مذکور قطعی است.

ماده ۲۹: ۱. اگر تصمیمی بر اساس ماده ۲۸ اتخاذ نشده باشد، یکی از شعب راجع به قابلیت پذیرش شکایات فردی ارائه شده بر اساس ماده ۳۴ تصمیم می گیرد.

۲. یکی از شعب درباره قابلیت پذیرش شکایات بین الدولی ارائه شده بر اساس ماده

۳۳ تصمیم می‌گیرد.

۳. تصمیم در مورد قابلیت پذیرش باید به طور جداگانه اتخاذ شود، مگر این‌که دادگاه در موارد استثنایی به گونه دیگری تصمیم‌گیری نماید.

ماده ۳۰: زمانی که پرونده مطروحه نزد شعبه، حاکی از موضوع خطیری است که بر تفسیر کنوانسیون یا پروتکل‌های آن دارای تأثیراتی است یا جایی که حل و فصل یک موضوع نزد شعبه می‌تواند نتیجه‌ای متناقض با قضاوتی داشته باشد که سابقاً در دادگاه اتخاذ شده است، شعبه می‌تواند در هر زمانی قبل از صدور حکم از صلاحیت خویش به نفع شعبه عالی صرف‌نظر نماید، مگر این‌که یکی از طرفین پرونده به این امر اعتراض نماید.

ماده ۳۱: شعبه عالی هنگامی به شکایات ارائه شده براساس ماده ۳۳ یا ۳۴ رسیدگی می‌کند که:

الف) شعبه از صلاحیت خویش براساس ماده ۳۰ صرف‌نظر کرده باشد یا پرونده بر اساس ماده ۴۳ به شعبه عالی واگذار شده باشد.

ب) درخواست‌هایی جهت ارائه نظریات مشورتی دادگاه مطابق با ماده ۴۷ مطرح شده باشد.

ماده ۳۲: ۱. صلاحیت دادگاه به همه موارد مربوط به تفسیر و اعمال کنوانسیون و پروتکل‌های آن که مورد استناد واقع می‌شوند، آن‌گونه که در مواد ۳۲، ۳۴ و ۴۷ مقرر شده است، توسعه می‌یابد.

۲. در صورت اختلاف نظر راجع به صلاحیت دادگاه، خود دادگاه به موضوع رسیدگی می‌کند.

ماده ۳۳: هر طرف بلندپایه این قرارداد می‌تواند هر ادعایی مبنی بر نقض مقررات کنوانسیون و پروتکل‌های آن توسط طرف بلندپایه دیگر را به دادگاه ارجاع نماید.

ماده ۳۴: دادگاه می‌تواند شکایاتی را از سوی هر شخص، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد با این ادعا قربانی نقض حقوق مندرج در این کنوانسیون یا پروتکل‌های آن توسط یکی از طرفین بلندپایه این قرارداد شده‌اند را دریافت نماید. طرفین بلندپایه قرارداد تعهد می‌کنند که به هیچ وجه از اجرای مؤثر این حق ممانعت نکنند.

ماده ۳۵: ۱. دادگاه هنگامی که کلیه مراحل دادخواهی داخلی توسط مراجع صالحه انجام شده باشد، می‌تواند مطابق با قواعد شناخته شده حقوق بین‌الملل و ظرف شش ماه از تاریخ حکم نهایی به موضوع رسیدگی نماید.

۲. دادگاه به شکایات ارائه شده براساس ماده ۳۴ با خصوصیات زیر رسیدگی نمی‌کند:

الف) بدون نام و امضا باشد.

ب) ماهیتاً همان موضوعی باشد که توسط دادگاه، رسیدگی شده یا به مرجع بین‌المللی دیگری تسلیم شده یا حل و فصل شده و حاوی حقایق مرتبط جدیدی نباشد.

۳. دادگاه، شکایات فردی ارائه شده براساس ماده ۳۴ را که مطابق با مقررات کنوانسیون یا پروتکل‌های آن نمی‌داند یا به طور آشکاری واهی یا نوعی سوءاستفاده از حق شکایت هستند، غیرقابل پذیرش اعلام می‌کند.

۴. دادگاه، هر شکایتی را که مطابق این ماده غیرقابل پذیرش اعلام نموده است، رد خواهد کرد. چنین اقدامی در هر مرحله از رسیدگی می‌تواند انجام شود.

ماده ۳۶: ۱. در مورد کلیه پرونده‌های مطروحه در شعبه‌ای از شعبه عالی، یک طرف بلندپایه قرارداد که یکی از اتباعش شکایتی را مطرح کرده است، حق ارائه نظریات کتبی و حضور در جلسات رسیدگی را دارد.

۲. رئیس دادگاه برای اجرای مناسب عدالت می‌تواند هر طرف بلندپایه قرارداد را که یک طرف رسیدگی نیست یا هر شخص مرتبط با رسیدگی را که شاکی پرونده نیست، دعوت کند تا نظریات کتبی خویش را ارائه نموده یا در جلسات رسیدگی شرکت جویند.

ماده ۳۷: ۱. اگر دادگاه با توجه به اوضاع و احوال به یکی از موارد ذیل پی ببرد، می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی به شکایت، آن را از لیست دعاوی حذف نماید:

الف) شاکی قصد تعقیب شکایت خویش را ندارد.

ب) موضوع حل و فصل شده باشد.

ج) به هر دلیل معتبر دیگری، ادامه بررسی شکایت از نظر دادگاه توجیه خاصی نداشته باشد، اما اگر رعایت حقوق بشری که در کنوانسیون و پروتکل‌های آن معین شده‌اند، اقتضا نماید، دادگاه باید به بررسی شکایت ادامه دهد.

۲. اگر اوضاع و احوال ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند شکایتی را که از لیست دعاوی حذف نموده، مجدداً وارد لیست نماید.

ماده ۳۸: ۱. اگر دادگاه قابل پذیرش بودن شکایت را اعلام نماید، باید:

الف) به منظور تحقیق در مورد حقایق، همراه با نمایندگان طرفین، شکایت مذکور را بررسی نماید و در صورت لزوم تحقیقاتی را در مورد مؤثر بودن اقدامات دول ذی‌ربط که باید همه وسایل لازم را برای انجام این امر فراهم نماید، به عمل آورد.

ب) به منظور تأمین یک راه حل مرضی‌الطرفینی برای موضوع مذکور، بر اساس رعایت حقوق بشری که در این کنوانسیون و پروتکل‌های آن معین شده‌اند، کلیه امکانات خویش را در اختیار آنها قرار دهد.

۲. اقدامات انجام شده بر اساس بند ۱ (ب) فوق‌الذکر محرمانه خواهد بود.

ماده ۳۹: اگر راه حل مرضی‌الطرفین مؤثر واقع شود، به موجب تصمیم دادگاه که حاوی صورت خلاصه‌ای از وقایع و راه حل مربوطه است، پرونده از لیست دعاوی خارج می‌شود.

ماده ۴۰: ۱. جلسات رسیدگی علنی است، مگر این‌که دادگاه در اوضاع و احوال استثنایی تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

۲. اسناد سپرده شده به دفتر دادگاه، قابل دسترس عموم است مگر این‌که رئیس دادگاه تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

ماده ۴۱: اگر دادگاه تشخیص دهد که کنوانسیون یا پروتکل‌های آن نقض شده است و قانون داخلی طرف بلندپایه قرارداد فقط یک جبران جزئی خسارت را در نظر گرفته است، در صورت لزوم باید تصمیمی اتخاذ نماید که رضایت خاطر متضرر را فراهم نماید.

ماده ۴۲: احکام صادره از شعب، مطابق با مقررات بند ۲ از ماده ۴۴، قطعی می‌شود.  
ماده ۴۳: ۱. ظرف سه ماه از تاریخ صدور حکم توسط شعبه، هر طرف دعوی در موارد استثنایی می‌تواند درخواست نماید که پرونده به شعبه عالی ارجاع شود.

۲. اگر پرونده حاکی از موضوع خطیری است که تفسیر یا اعمال کنوانسیون یا پروتکل‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا موضوع خطیری که دارای اهمیت کلی است، یک هیئت پنج نفره از قضات شعبه عالی، با درخواست مذکور موافقت می‌نماید.

۳. اگر هیئت مذکور با درخواست موافقت نماید، شعبه عالی به موجب حکمی، در مورد پرونده تصمیم‌گیری می‌کند.

ماده ۴۴: ۱. حکم صادره از شعبه عالی قطعی است.

۲. حکم صادره یکی از شعب در موارد ذیل قطعی می‌شود:

الف) هنگامی که طرفین دعوی اعلام نمایند که خواستار ارجاع پرونده به شعبه عالی نیستند.

ب) در صورت عدم درخواست ارجاع پرونده به شعبه عالی، سه ماه از تاریخ صدور حکم سپری شود.

ج) در صورتی که هیئت شعبه عالی، درخواست ارجاع (ماده ۴۳) را رد نماید.

۳. حکم قطعی باید منتشر شود.

ماده ۴۵: ۱. برای رسیدگی و صدور حکم در دادگاه یا اتخاذ تصمیم در مورد قابل پذیرش بودن یا نبودن شکایت، دلایل ادعا باید ارائه شود.

۲. اگر حکم صادره کلاً یا تا حدودی بیانگر اتفاق نظر میان قضات نباشد، هر قاضی می تواند نظر خود را جداگانه بیان نماید.

ماده ۴۶: ۱. طرفین بلندپایه قرارداد تعهد می نمایند، رأی دادگاه برای آنها در هر مورد که طرف دعوی قرار بگیرد، لازم‌الاتباع خواهد بود.

۲. حکم قطعی دادگاه برای کمیته وزرا که ناظر بر اجرای آن هستند، ارسال می شود.

ماده ۴۷: ۱. در صورت درخواست کمیته وزرا، دادگاه می تواند در مورد موضوعات حقوقی مربوط به تفسیر کنوانسیون و پروتکل های آن نظریات مشورتی ارائه کند.

۲. چنین نظریات مشورتی نباید به موضوعات مربوط به محتوا یا گستره حقوق یا آزادی های تعیین شده در بخش یک کنوانسیون و پروتکل های آن یا هر موضوع دیگری که دادگاه یا کمیته وزرا ممکن بود در نتیجه چنین رسیدگی هایی به آن توجه نماید و می توانست بر طبق مقررات کنوانسیون مطرح شود، پردازد.

۳. تصمیمات کمیته وزرا در مورد درخواست ارائه نظر مشورتی از دادگاه، مستلزم اکثریت آرای نمایندگان است که حق حضور در کمیته را دارند.

ماده ۴۷: دادگاه باید در مورد صلاحیت خود به ارائه نظر مشورتی با توجه به درخواست ارائه شده توسط کمیته وزرا آن گونه که در ماده ۴۷ تعریف شده است، تصمیم گیری نماید.

ماده ۴۹: ۱. دلایل درخواست نظر مشورتی از دادگاه باید ارائه شود.

۲. اگر نظر مشورتی کلاً یا تا حدودی بیانگر اتفاق نظر میان قضات نباشد، هر قاضی می تواند نظر خود را جداگانه بیان نماید.

۳. نظریات مشورتی دادگاه باید برای کمیته وزرا ارسال شود.

ماده ۵۰: مخارج دادگاه بر عهده شورای اروپا است.

ماده ۵۱: قضات در حین انجام وظیفه، از امتیازات و مصونیت های پیش بینی شده در ماده ۴۰ قانون شورای اروپا و توافق نامه هایی که بر آن اساس صورت گرفته، برخوردار هستند.

## بخش سوم

ماده ۵۲: هر طرف قرارداد باید به محض وصول تقاضای دبیر کل شورای اروپا، طرق تضمین اجرای مؤثر مقررات کنوانسیون به وسیله حقوق داخلی آن کشور را تشریح نماید.

ماده ۵۳: هیچ ماده‌ای در این کنوانسیون نباید به گونه‌ای تفسیر شود که هر نوع مقرره‌ای راجع به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در قوانین داخلی هر طرف بلندپایه قرارداد یا هر توافق‌نامه‌ای که آن دولت یک طرف آن قرار دارد را محدود کرده یا لغو نماید.

ماده ۵۴: هیچ یک از مقررات این کنوانسیون به اختیارات اعطایی قانون شورای اروپا به کمیته وزرا، لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

ماده ۵۵: طرفین بلندپایه قرارداد توافق می‌نمایند به غیر از موافقت‌نامه‌های خاص، برای حل اختلاف ناشی از تفسیر یا اعمال این کنوانسیون از باب دادخواهی، به معاهدات، کنوانسیون‌ها یا اعلامیه‌های معتبر میان خود مراجعه نکرده و فقط مقررات این کنوانسیون را مدنظر قرار دهند.

ماده ۵۶: ۱. هر دولتی در زمان تصویب کنوانسیون یا هر زمانی بعد از آن می‌تواند از طریق اطلاعیه، خطاب به دبیر کل شورای اروپا اعلام نماید که مقررات کنوانسیون با توجه به بند ۴ این ماده به تمامی سرزمین‌های تحت‌الحمایه یا هر سرزمینی که روابط بین‌المللی بر آن حاکم است، توسعه یابد.

۲. مقررات کنوانسیون به سرزمین یا سرزمین‌های مذکور در اطلاعیه، از از سی روز بعد از دریافت اطلاعیه توسط دبیر کل شورای اروپا توسعه می‌یابد.

۳. مفاد این کنوانسیون در چنین سرزمین‌هایی باید با نگرش به مقتضیات محلی اعمال شود.

۴. هر دولتی که مطابق با بند ۱ این ماده، اطلاعیه صادر کرده، می‌تواند در هر زمانی بعد از آن، از جانب یک یا چند سرزمینی که نام آنها در اطلاعیه برده شده است، اعلام نماید، صلاحیت دادگاه به دریافت شکایات از سوی افراد، سازمان‌های غیردولتی یا گروهی از افراد مطابق با ماده ۳۴ کنوانسیون را می‌پذیرد.

ماده ۵۷: ۱. هر دولتی می‌تواند هنگام امضای این کنوانسیون یا هنگام سپردن سند تصویب کنوانسیون، شرطی را نسبت به هر یک از مقررات این کنوانسیون قرار داده و هر قانونی را که در قلمرو این کشور مجری است، بر طبق آن مقررات نداند. شروطی که بر

طبق این ماده مطرح می‌شوند اگر واجد توصیفات و عبارات کلی باشند، مورد پذیرش قرار نخواهند گرفت.

۲. هر شرطی که بر اساس این ماده از طرف دول ذی‌ربط مطرح می‌شود، باید حاوی خلاصه‌ای از قانون مربوطه باشد.

ماده ۵۸: ۱. یک طرف بلندپایه قرارداد فقط بعد از انقضای پنج سال از زمان شروع عضویت و بعد از اخطار شش ماهه‌ای که حاوی این مطلب خطاب به دبیر کل شورای اروپا است، می‌تواند آن را رد نماید. دبیر کل نیز طرفین بلندپایه قرارداد را از جریان مطلع خواهد ساخت.

۲. چنین اعلام ردی قبل از تاریخی که واجد اثر شود، باعث مبرا شدن طرف بلند پایه قرارداد از تعهداتش بر اساس این کنوانسیون نسبت به هر عملی که قابلیت و امکان نقض چنین تعهداتی را دارا است، نخواهد شد.

۳. هر طرف بلند پایه قرارداد که از عضویت شورای اروپا خارج می‌شود، برای خارج شدن از عضویت کنوانسیون باید همین شرایط را رعایت نماید.

۴. امکان اعلام رد مطابق با بندهای قبلی در مورد هر سرزمینی که مقررات کنوانسیون بر اساس ماده ۵۶ نسبت به آن توسعه یافته است، وجود دارد.

ماده ۵۹: ۱. این کنوانسیون برای امضا توسط اعضای شورای اروپا مفتوح است و باید به تصویب نیز برسد. تصویب نامه‌ها توسط دول عضو به دبیرکل شورای اروپا سپرده می‌شود.

۲. بعد از سپردن دهمین تصویب نامه، کنوانسیون، رسمیت قانونی می‌یابد.

۳. تاریخ سپردن تصویب نامه به دبیرکل شورای اروپا راجع به هر امضاکننده‌ای که به کنوانسیون می‌پیوندد، تاریخ رسمیت کنوانسیون نسبت به آن دولت خواهد بود.

۴. دبیرکل شورای اروپا، رسمیت یافتن کنوانسیون، اسامی طرفین بلند پایه قرارداد که آن را تصویب نموده‌اند و همه تصویب نامه‌هایی که متعاقباً تسلیم دبیرکل می‌شوند را به اطلاع اعضای شورا اروپا می‌رساند.

متن کنوانسیون که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ به دو زبان انگلیسی و فرانسوی با اعتبار یکسان و هر کدام در یک نسخه به بایگانی شورای اروپا سپرده شد، در شهر رم تنظیم گردید. دبیرکل، رونوشت مصدق این متن را برای دول امضاکننده ارسال می‌نماید.